

پشت بوم

جای خالی باباسبحان



جواد طوسی

● یکی دیگر از آن نازنین‌های قدیمی استخوان‌خردکرده رفت. جعفر والی از نسل عباس جوانمرد و علی نصیریان و جمشید مشایخی و محمدعلی کشاورز و داوود رشیدی و اسماعیل شنکله بود. ریشه‌های قرص و محکم او در تئاتر را می‌توان از کارنامه پربارش تشخیص داد. بدون‌اغراق باید گفت که والی سهمی بسزا در معرفی غلامحسین ساعدی برای مخاطبان و علاقه‌مندان تئاتر داشت. او بیش از ۱۰ نمایش‌نامه ساعدی را در مقام کارگردان و – بعضاً– بازیگر روی صحنه برد که از آن‌میان می‌توان به «بام‌ها و زیر بام‌ها»، «دعوت»، «دست بالای دست»، «گرگ‌ها»، «گاو»، «فقیر» و «عقل برتر از استعداد» اشاره داشت. یکی از افرادی که نام و حضور پراکنیزه‌اش به تئاتر سنکلیج (۲۵ شهپریور سابق) هویت اینجایی داد، جعفر والی بود. در کنار آن او با تله‌تئاترهایش و وام‌گرفتن از نمایش‌نامه‌نویسانی چون ویلیام سارویان، یوچین اونیل، بهرام بیضایی، علی نصیریان، فریده فرجام، فرانسوا کریه و گوگول فضایی متنوع و متفاوتی را برای تئاتر در تلویزیون ایجاد کرد.

اما جعفر والی با همه این پیشینه غنی و تجربیات وسیعش، نتوانست مانند عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، جمشید مشایخی و محمدعلی کشاورز در سینما و مجموعه‌های تلویزیونی بدرخشد. حضور هرگزگاه و جست‌وجوگریمته او در این حوزه بیشتر در نقش‌های مکمل بود که شاخص‌ترین‌شان «خاک» و «سفر سنگ» مسعود کیمیایی، «تنگسیر» امیر نادری، «گاو» داریوش مهرجویی، «باد سرخ» جمشید ملک‌پور و سریال «هزار دستان» علی حاتمی بود. یکی از بهترین و ماندگارترین بازی‌های والی، ایفای نقش باباسبحان در «خاک» است. او با درک درست و عمیق این شخصیت داستان «اوسنه باباسبحان» محمود دولت‌آبادی، لحظات پراحساسی را خلق کرده که نمونه‌هایش را می‌توان در صحنه‌ای که باباسبحان داخل خانه همراه با موسیقی تأثیرگذار اسفندیار منفردزاده زخم‌های صورت پسرش صالح را پاک می‌کند و صحنه ملاقات او با صدیقه گدا (مادر غلام) و یادآوری عشق قدیمی‌شان و صحنه تشییع جنازه پسر دیگرش مصیّب دید. همچنین بازی‌های او در نقش روحانی ده در «سفر سنگ» و بازاری نزول‌خور در «تنگسیر»، فراموش‌نشدنی‌اند.

تنها تجربه فیلم‌سازی جعفر والی به نام «تا غروب» (۱۳۶۸) که اقتباسی از داستان «یک انسان جقدر زمین لازم دارد» لئو تولستوی بود، فروش رضایت‌بخشی در گیشه نداشت. متأسفانه گویا برای وسواس و گزیده‌کاری جعفر والی در بازار مکاره فرهنگ و هنر در دوره‌های مختلف تاریخی/ اجتماعی، خریدار و گوش شنوای دلسوزی نبود. او قصد آن داشت که نمایش‌نامه «در گوش سالم‌ز زمزمه کن» را در جشنواره تئاتر فجر امسال روی صحنه ببرد که عمرش کفاف نداد.

یادش زنده و گرامی…

جارچی

پوران فرخزاد در بیمارستان بستری شد



● پوران فرخزاد، نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار و منتقد ادبی، در بیمارستان بستری شد.
بختیار بیات، نوه پسری پوران فرخزاد، در گفت‌وگو با «شرق» درباره دلیل بستری‌شدن این هنرمند در بیمارستان گفت: «از روز جمعه ۲۶ آذر شرایط جسمی خانم فرخزاد به‌گونه‌ای بود که او را با سردرد و سرگیجه به بیمارستان رساندیم و پزشکان علائم او را سکنه مغزی خفیف اعلام کردند. او ادامه داد: «وی چند روزی است که در «آی‌سی‌یو» بستری است و در کم‌ای نیمه‌عمیق به‌سر می‌برد و تحت نظارت پزشکان است».
پوران فرخزاد، خواهر فروغ فرخزاد، شاعر نامدار ایرانی، تکاپون حدود ۳۰ کتاب منتشر کرده و نویسنده «کارنامی زنان کاری ایران»، نخستین فرهنگ ميسوط درباره زنان ایرانی است.

درگذشت نیما طباطبایی

● نیما طباطبایی، مستندساز جوان که مدتی درگیر بیماری و در بیمارستان بستری بود، صبح روز گذشته، یکشنبه ۲۸ آذر درگذشت.
رویا تیموریان که نیما طباطبایی خواهرزاده وی بود، ضمن تأیید این خبر به مهر گفت: «خواهرزاده‌ام صبح روز یکشنبه ساعت ۷:۴۵ و پس از پنج ماه که در بیمارستان بستری بود، درگذشت. نیما طباطبایی ساخت مستند «من ناصر حجازی هستم» را در کارنامه خود داشت. این اثر مستند آژرمه‌اش ۹۴ در گروه سینمایی «هنر و تجربه» به نمایش درآمد.

گفت‌وگو با فرهاد توحیدی، داور جایزه استادمحمد

پوست‌اندازی تئاتر ایران

رضا آشفته

دومین دوره جایزه محمود استادمحمد با موضوع برترین نمایش‌نامه سال و با هدف شناسایی، معرفی و تقدیر از نویسندگان برترین نمایش‌نامه‌های تالیفی و اقتباسی سال ۱۳۹۴، اواسط دی‌ماه سال جاری برگزار می‌شود. تاکنون ۱۳۳ نمایش‌نامه که در سال ۱۳۹۴ برای نخستین‌بار به صورت کتاب منتشر شده یا در همین سال برای نخستین‌بار اجرا شده‌اند به دبیرخانه بنیاد محمود استادمحمد ارسال شده که ازسوی هیأت داوری مورد بررسی قرار می‌گیرند. در هرکدام از بخش‌های تالیفی و اقتباسی با اهدای لوح تقدیر، از سه اثر برتر قدردانی و نشان محمود استادمحمد به پدیدآوردندگان برترین نمایش‌نامه تالیفی و اقتباسی سال ۱۳۹۴ اهدا می‌شود. همچنین در این مراسم از دو چهره پیش‌گسوت تئاتر ایران نیز قدردانی می‌شود. فرهاد توحیدی، اصغر همت، محمدمیر یاراحمدی، مجید قیصری و رؤیا نونهالی به‌عنوان داوران دومین جایزه محمود استادمحمد معرفی شدند. با توجیدی که در این دو دوره داور جایزه استادمحمد بوده است درباره چندوچون این جایزه گفت‌وگو کرده‌ایم:

✎ **با توجه به اینکه شما در دوره اول هم داور این جایزه بوده‌اید، به نظر‌تان در دومین دوره نسبت به دوره اول جایزه محمود استادمحمد چه تغییریاتی ایجاد شده است؟**

در سال گذشته باوجود اینکه اولین دوره برگزاری این جایزه بود، اما در سطح وسیعی از آن استقبال شد و آثار بسیاری به دبیرخانه جایزه محمود استادمحمد رسید. ما با میان کل آثار در پنج مرحله داوری توانستیم آثار محدودتری را برای مرحله نهایی انتخاب کنیم. برندگان نیز با توجه به ویژگی‌هایی که نمایش‌نامه‌ها داشته‌اند و همچنین پسند و سلیقه داوران انتخاب شدند.

✎ **تفاوت امسال و سال گذشته چه بوده است؟**
در سال گذشته هم‌چنین هیأت انتخابی نبود و داوران مجبور بودند که همه آثار را خودشان داوری کنند، اما بنابر تجربه سال گذشته، بنیاد استادمحمد و کمیته سیاست‌گذاری جایزه استادمحمد تصمیم گرفت که هیأت انتخاب مطالعه اولیه را انجام داده و آثار برگزیده‌ای را برای داوری در اختیار داوران قرار بدهد. دوستان داور هم این روزها در حال خواندن این آثار هستند تا روزی که گفت‌وگو شود و آثار نهایی مشخص شوند.

✎ **آیا تفاوت عمده‌ای بین جایزه استادمحمد با جایزه‌های دیگر مثلا در تئاتر فجر یا در خانه تئاتر که قبلا برگزار می‌شد، هست؟**

حقیقتا در جریان سیاست آن جایزه‌ها نبودم و نمی‌توانم قضاوت کنم. تصورم این است با توجه به اینکه در بخش خصوصی و به دست یک بنیاد خصوصی این جایزه برگزار می‌شود و با توجه به ویژگی‌های استادمحمد که قاعداً جایزه به نام اوست، باید این ویژگی‌های تئاتر ملی در انتخاب

هنر



عکاس: آرشیا رحمانیان

از این دوستان چهره شده‌اند و مداومت حضور در این حوزه آنها را تبدیل به نام‌های بزرگی خواهد کرد. به‌تدریج باید منتظر بازتاب کیفیت کارهایشان باشیم که آنها نمایش‌نامه‌هایشان را منتشر می‌کنند یا روی صحنه خواهند برد و این اتفاق باعث می‌شود که همواره تعقیبشان کنیم که سال‌های آینده شاهد اهداف بزرگ و مطرح باشیم.

✎ **در دهه ۴۰ خورشیدی در تالار سنکلیج بزرگانی با هدف تئاتر ملی شکل گرفتند و دوران طلایی را رقم زدند. آیا اهداف آن تئاتر هنوز هم تداوم یافته با موانعی بر سر تحققش قرار گرفته است؟**
فکر می‌کنم در تمام حوزه‌های فرهنگ و هنر از جمله تئاتر ملی با موانع روبه‌رو هستیم. همان‌قدر که در سینما و در موسیقی با موانع روبه‌رو هستیم، در حوزه تئاتر نیز این موانع جدی هستند. یکی از جدی‌ترین موانع، مقاومتی است که در برابر سینمای اجتماعی وجود دارد که گاهی آن را به سیاه‌نمایی متهم می‌کنند و گاهی آن را به توجه‌نگردن به واقعیت متهم می‌کنند و عملاً در تئاتر با نیز همین موانع دست‌وپاگیر روبه‌رو هستیم؛ خطوط قرمزى که اجازه نمی‌دهند زندگی معاصر بایسته و شایسته موضوع تئاتر ملی ما قرار بگیرد و بازتاب پیدا کند. هنرمندان و نمایش‌نامه‌نویسان با این قفسیه دست‌وپنجه نرم می‌کنند و این روی کیفیت متون تأثیر می‌گذارد.

✎ **قاعداً آن چیزی که تحت عنوان تئاتر ملی می‌شناسیم، منحصر به اسامی ایرانی یا مکان رویدادهای اینجایی و اکنونی، نیست بلکه موضوعات و چالش‌های معاصر چنین تئاتر ملی‌ای را ایجاد می‌کند. درواقع عناصر و مؤلفه‌های تئاتر ملی در این زمینه دچار مشکل شده است.**

✎ **جایزه‌ای مثل جایزه استادمحمد تا چه حد و چگونه می‌تواند در برداشتن موانع موجود مؤثر باشد؟**

تصور می‌کنم به‌هرحال، نفس گذاشتن جایزه، فارغ از اینکه جایزه چه باشد و چه نباشد، باعث عطف توجه به مخاطبان می‌شود. خیلی به سیاست‌گذاران و مسئولان تئاتری کاری ندارم ضمن آنکه آنها نیز باید به این مسائل توجه کنند. نفس برگزاری جایزه‌ها پلی است بین تماشاگران و مخاطبان بالقوه و بالفعل تئاتر ایران که با نمایش‌نامه‌نویس‌ها ارتباط خواهند گرفت. همچنین جایزه‌های ادبی که در بخش خصوصی برگزار شده و منظورم در اینجا جایزه‌های ادبی دولتی نیست، برای مثال، جایزه بنیاد گلشیری در حوزه ادبیات داستانی، جایزه مهرگان و پکا که در زمان خودشان منشأ اثر بودند، این جوایز توجه مخاطبان را جلب می‌کرد و آثار برگزیده به چاپ‌های چندم می‌رسیدند و مخاطبان به آنها توجه می‌کردند. در حوزه تئاتر هم این اتفاق خواهد افتاد و سبب می‌شود اولاً نمایش‌نامه تجدیدچاپ یا چاپ و حتی بهتر دیده و خوانده شود و طبیعتاً امکان اجرا پیدا کند. جایزه استادمحمد می‌تواند نقش برجسته‌ای در این زمینه داشته باشد.

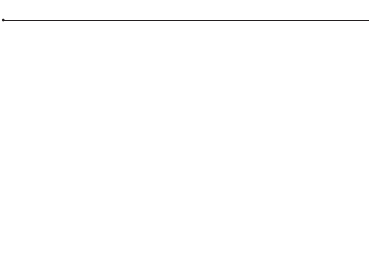
✎ **بازتاب دور اول جایزه استادمحمد چگونه بوده است؟**

تصورم این‌ است است که دبیر محترم می‌تواند همه‌جانبه این بازتاب را توضیح بدهد، ولی تا آنجایی که شاهد بوده‌ام، بازتاب خیلی خوبی داشته و توانسته به‌اصطلاح جریان ایجاد کند و شاهد مدعا این است که در یک شکل بایسته‌تری این جایزه دارد پیگیری و برگزار می‌شود. در دوره دوم شاهد موفقیت بیشتری هستیم که زمینه‌اش در دوره اول ایجاد شده که دوره دوم باشکوه‌تر برگزار شود.

✎ **سال‌گذشته «کوکوی کبوتران حرم» نوشته علیرضا نادری را انتخاب کردید که در سال‌های آغازین دهه ۸۰ نوشته، در سال ۸۷ اجرا و در سال ۹۳ منتشر شده است و این نشان می‌دهد که در قیاس با این اثر، آثار تازه‌تر توانایی رویایی نداشته‌اند؟**

این اثر علیرضا نادری برجسته بود و داوران به همین دلیل آن را مورد توجه قرار دادند و البته کارهای دیگری نیز بودند که شایسته بودند و به‌هرحال کار ایشان شاخص بود و توانست توجه‌ها را جلب کند. در این سال‌ها فکر می‌کنم کارهای دیگری هم بوده‌اند که چاپ و اجرا شده‌اند و شایستگی دریافت جایزه را هم داشته‌اند، امّا اینها به دبیرخانه برای داوری ارسال نشده‌اند. نمی‌خواهم اسمم بیرم چون تبعات دارد. من گمان می‌کنم امسال یک مقدار محدودیت زمانی برایش وضع شده که در دوره اول این محدودیت را نداشت، اما امسال نتایج متفاوت است و نمایش‌نامه‌های متأخرتر که در چند سال گذشته نوشته شده‌اند مطرح خواهند شد.

✎ **آیا سوزی گروه‌هایی که نمایش‌نامه‌هایشان در سال ۹۴ اجرا شده است، هم برای شرکت در این دوره اقدام چشمگیری شده است؟**
آمار را ندارم، باید از دبیر جایزه پرسید و این آثار ازسوی کمیته انتخاب، داوری اولیه شده و در اختیار داوران قرار گرفته است.



داشته‌اند؛ شناسنامه هر قوم و ملیتی به همان آیین‌هایی است که دارند. اگر جوانان ما اینها را بفهمند، به‌سادگی دست‌به‌دامن فرهنگ‌های دیگر نخواهند شد، جوانان نازنین ما با فرهنگ خودمان غریبه شده‌اند، تقصیر آنها نیست و حق دارند چون به آنها اجازه داده نشده که با آداب و رسوم خودشان آشنا بشاند.

استاد محمداfarوق کیانی وقتی که از جوانان سخن می‌گوید، بغض می‌کند و صحبت‌هایش را این‌گونه ادامه می‌دهد: در جهان تکنولوژی و صنعتی امروز، من حق گفت‌مان و گفت‌وگو دارم، می‌توانم این داشته‌ها را عرضه کنم و به جهان بگویم که ما هم آداب و رسومی داشته‌ایم. بی‌توجهی مسئولان عامل انزوای هنرهای آیینی و فولکلور است؛ بسیاری از این آیین‌ها از دست رفته، اگر هم جشنواره‌ای در گوشه‌ای از کشور به‌ویژه در مرکز اتفاق می‌افتد، یک عده انگشت‌شمار آورده می‌شوند که حقیقت موضوع را نمی‌توانند انتقال دهند و به‌گونه‌ای از سر باز شده و اصطلاحاً ماست‌مالی می‌شود. دانشگاه‌ها مقصرند؛ چه اشکالی دارد که یک نفر بفهمد آداب و رسوم اجدادش چه بوده، این چه مشکلی برای کشور به وجود می‌آورد؟

من از شاگردان استاد می‌پرسم و اینکه آیا کسانی هستند که راهش را ادامه دهند، می‌گویم: من دو پسر دارم و تا جایی که توانستم دانسته‌هایم را به آنان آموختم‌ام؛ اما هنرجویانی را نیز حدود ۱۵ سال پیش در دانشگاه سوره آموزش داده‌ام، ولی فراموش کرده‌اند، چراکه دیگر دیداری نداشته‌ایم، حدود صد نفر را در مرکز هنرهای نمایشی تهران آموزش دادم، آنها هم فراموش کرده‌اند و حرکات یادشان نمانده، چراکه در یک دوره کوتاه بوده؛ نه اجرا داشتند و نه حرکات را انجام دادند؛ تنها علاج، این است که این هنرها به صورت آکادمیک دنبال و مکتوب شود. در سال ۴۷ و ۴۸ بود که در نفر از فرانسه آمدند و شش ماه تمام روی حرکات من کار کردند و از حرکاتم طراحی کرده، اطلاعاتی جمع‌آوری کردند و تحقیقاتشان را انجام دادند، پژوهشگرانی از آمریکا، یونان و اخیراً از اسپانیا پیش من آمدند، خب حالا من چه کنم؟ به‌خاطر عشق و علاقه‌ام به هرکسی که پیگیر باشد و علاقه‌مند، آنچه را سال‌ها روی آن تلاش کرده‌ام ارائه می‌دهم تا شاید این هنرهای زیبا، بماند و نابود نشود، اما چرا برای جوانان همین مرزوبوم و دانشگاه‌های همین کشور این اتفاق نیفتد؟

صحبت‌های من با این استاد به‌جامانده از نسل طلایی هنر فولک خراسان به اتمام می‌رسد، گرچه پیش‌تر و بیشتر حرف‌های او میان حرکات و نشست‌وبرخاست‌های معنادارش، پنهان بوده چراکه «قص است زبان ذره زیر/ا هر جرض دگر بیان ندارد» آری «آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند/ تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم»…

زیر آسمان فیروزهای

توضیحات مدیری درباره حواشی «دورهمی» هیچ شخص خاص یا جناح سیاسی در نظر نیست



● **شرق:** به دنبال حاشیه‌های ایجادشده درباره صحبت‌های مهران مدیری در برنامه «دورهمی»، این‌ کارگردان توضیحاتی دراین‌باره ارائه کرد. مهران مدیری، در برنامه جمعه‌شب «دورهمی» در تعریف «شجاعت»، از عباراتی مانند «جواب آن دل و جرئت خارق‌العاده را با سازش‌کاری و منفعت‌طلبی می‌دهیم» و «تو که نمیتونی، بتمرگ خانه‌ات» استفاده کرد. این جملات مدیری با واکنش‌های مختلف کاربران در فضای مجازی روبه‌رو شده که برخی از آنها این ادبیات را نامناسب می‌دانند و به آن معترض‌اند. ازهمین‌رو، مدیر روابط‌عمومی پروژه‌های مهران مدیری از طرف او متنی را به شرح ذیل منتشر کرد: «به نام خالق زیبایی‌ها، در برنامه «دورهمی» راجع به هر موضوعی که صحبت می‌شود، هیچ شخص خاص یا جناح سیاسی یا جریان مشخصی در نظر نیست، «دورهمی» فقط به نقد نقاظ تاریک و روشن خصلت‌های انسانی می‌پردازد…

با احترام»

مهران مدیری در برنامه جمعه‌شب گفت: «عده‌ای جرئت کردند وارد عملیاتی شوند که به آنها گفته شده بود، برگشتی در آن نیست. اگر ما بودیم چه کار می‌کردیم، امروز که شرایط کاملاً عادی است، جواب آن دل و جرئت خارق‌العاده را با سازش‌کاری و منفعت‌طلبی می‌دهیم، اگر دل و جرئت بعضی از کارها را ندارین، چرا پست‌هایی را می‌گیرید که انجام وظایفش دل و جرئت می‌خواهد؛ تو که نمی‌تونی بتمرگ خانه‌ات». اعتراض مردم در شبکه‌های اجتماعی تا آنجا ادامه یافته که حتی کمپین‌هایی علیه مدیری به راه افتاده و تعداد اعضای آن نیز رو به افزایش است.

کالری شش میزبانی می‌کند
مواجهه ۸ عکاس با حیوان درونشان

● **شرق:** نمایشگاه «حیوان درون»، به کوشش حافظ روحانی، سوگول کاشانی و ژوبین میراسکندری از جمعه، ۲۶ آذر در گالری شماره شش برگزار شد.

در این نمایشگاه گروهی، هشت عکاس آثار خود را به نمایش می‌گذارند که عبارتند از: رنوفه رستمی، زروان روح‌بخشان، رضا شریفی، محسن شاه‌مردی، نامدار شیرازیان، علی قاضی، بهنام صادقی، مریم نیازاده، در بخشی از نوشته این نمایشگاه آمده: «از همان زمان که پدران و مادران کم‌نام ما نخستین کله گاو را بر دیوار غارها تصویر کردند نه‌فقط آموختند که هنر می‌تواند «بیان» کند که درعین‌حال قدرت یگانه خود در دیدن و تصویرکردن توحش اطراف را نشان دادند و این همان زمانی بود که آنها آرام‌آرام آموختند تا به مدد هوش خداداد از غارها بیرون بیایند، از همسایگی حیوانات فرار کنند تا تمدن ما را بسازند و از هراس زندگی در طبیعت بی‌منطق که بی‌دریغ دامان ساکنان حیات وحش را می‌گیرد، بگریزند. نمایشگاه «حیوان درون» از ۲۶ آذر در گالری شش برپا و تا جمعه، ۳ دی در معرض تماشای عموم خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه از ساعت چهار تا هشت بعدازظهر به نشانی خیابان میرزای شیرازی، کوچه بیستم، پلاک ۲، طبقه همکف مراجعه کنند.

گم‌گشته در مه در «والی»

● **شرق:** نمایشگاه نقاشی‌های سهیلا حقیقت با عنوان «گم‌گشته در مه» تا پایان آذر در نگارخانه والی برقرار است. حقیقت درباره این نمایشگاه نوشته است: «خیال دارم ساده و بی‌پرده رنگ‌های تشکیل‌دهنده این مجموعه را بیان کنم که تماما وامدار کودکی‌ام و مکانی است که در آن زاده و بزرگ شده‌ام، اساس آثارم رنگ‌های غالب سرزمین و شهری است که همه‌جا فیروزه خردنمایی می‌کند و خود می‌داند که چگونه در کنار آب و خاک سر بلند می‌کند. به‌مه اشاره می‌کنم که خیال‌انگیز و اسرارآمیز است. انسان‌های نقش‌بسته در فضای کارها، سرگشته در مه هستند. انگیزه‌ام شرح انسان غرق‌شده در زندگی است. هویت هیچ‌کدام روشن نیست و نیازی هم نیست که دنبال شخص خاصی باشیم. همین که هستند و مهر وجود انسانی را بر صفحه روزگار می‌زنند کافی است. آدمیان در سایه‌اند و انگار انکارشان کرده‌ایم و نادیده گرفته‌ایم، همچنان در مه غلیظ در چندمتری خود آشنایی را هم نمی‌توان شناخت». نگارخانه والی در ونک، خیابان خدایم، پلاک ۷۲ واقع شده و همه‌روزه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ میزبان علاقه‌مندان است.